

براهمه در آثار متکلمان مسلمان

دکتر مجتبی زروانی

دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

چکیده

در آثار کلامی و ملل و نحل مسلمانان هرگاه از منکران نبوت یاد می‌شود از آنها تحت عنوان کسانی که از «شبههٔ براهمه» تبعیت می‌کنند، نام می‌برند. براهمه در این آثار کسانی‌اند که به دلیل عقلی از نبوت پیروی نمی‌کنند. آگاهی مسلمانان از براهمه آگاهی روشنی نیست و در اصل براهمه در سنت فکری هندویی در شمار منکران نبوت به معنایی که در اسلام آمده است جای نمی‌گیرند. اینکه چگونه مسلمانان آنها را در شمار منکران نبوت آورده‌اند معلوم نیست و اما و اگرها راه به جایی نمی‌برد.

کلیدواژه‌ها: براهمه، متکلمان، هندوان.

مقدمه

در منابع اسلامی به ویژه در آثار کلامی و ملل و نحل از عقاید گروهی تحت عنوان براهمه یاد می‌شود. متکلمان و ملل و نحل نویسان در بحث از نبوت از شبهه‌ای تحت عنوان «شبهه براهمه» یاد می‌کنند. براهمه کسانی هستند که به دلیل عقلی به شرحی که در این آثار (نک: ابن حزم، ۱۳۸؛ باقلانی، ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۵ و ۱۰۷؛ غزالی، ۱۳۶ - ۱۳۵؛ قاضی عبدالجبار، ۱۱۶؛ البحرانی، ۱۲۴ و دیگران) آمده است، نبوت را انکار کرده‌اند. منکران نبوت کم و بیش به پیروی از براهمه متهم شده‌اند. نوشته حاضر در پی آن است تا معلوم سازد آگاهی مسلمانان از براهمه از چه راهی بوده است و آیا این آگاهی درست بوده است یا خیر؟ و اساساً آیا براهمه در سنت فکری هندویی در شمار منکران نبوت به معنایی که در آثار مسلمانان آمده است قرار می‌گیرند یا نه؟

در ریشه و معنای کلمه براهمن (جمع براهمه) اختلاف است. آن را از ریشه Barh/brah به معنای سخن گفتن یا لغز و معماگویی (ER, II, 234). نیز از ریشه brh به معنای رشد کردن، برآمدن و قادر بودن دانستند (استاتلی، 49, 51, ERE, II, 797). کلمه برهمن در شکل خشتی اشاره دارد به روح مطلق عالم و نیز قدرت موجود در کلام مقدس و وحیانی (داوسون، 56, ER, همانجا). در شکل مذکر^۱ کاهن یا روحانی آگاه بر کلام وحیانی و دینپاری که وظیفه او اعلام و بازگویی این کلام است اشاره دارد (ER, همانجا؛ استاتلی، 51).

این اعتقاد نیز وجود دارد که کلمه برهمن با «برزمن»^۲ و یا برسَم^۳ ایرانی، هم از لحاظ فونتیکی و هم معنایی، برابر است (ERE, II, 424). هنینگ^۴ نیز بر این عقیده

۱. به کارگیری واژه برهمن (براهمن) در این نوشتار ناظر به معنای آن در شکل مذکر است.

2. Brazman.
3. Barsam.
4. Henning.

است. وی ضمن به دست دادن صورتهای مختلف کلمه «برزمن» در زبانهای اوستایی، ایرانی میانه، ایرانی باستان، فارسی باستان و ادبیات مانوی بر ریشه و معنای واحد این دو کلمه تأکید می‌ورزد (110 - 108).

گرچه کلمه برهمن را از لحاظ ریشه و معنا با «برزمن» ایرانی یکی دانستند، اما در نوشته‌ها و آثار مکتوب بجای مانده از ایران پیش از اسلام شاهد وجود گزارش یا گزارشهایی در باب براهمه یا برهمن به معنا و صورتی که در آثار دوره اسلامی آمده است، نیستیم. این نکته گویای آن است که آگاهی مسلمانان از آنچه به نظر آنان عقاید و باورهای براهمه است (صرف نظر از درستی یا نادرستی آن) از منابع ایرانی پیش از اسلام نبوده است. گرچه به نظر می‌رسد درباره منبع آگاهی مسلمانان از دین بودا سخن دیگری باید گفت.

آثار دانشمندان مسلمان که در آن از براهمه سخن رفته است شامل آثار تاریخی، ملل و نحل و کلامی است. صورت گزارشها در این آثار عموماً توصیفی و کلامی است. عمده نوشته‌های پیش از بیرونی جز دو کتاب (التمهید باقلانی و المغنی قاضی عبدالجبار) و کتاب تحقیق ماللهند وی تقریباً توصیفی از عقاید براهمه است، در حالی که بیشتر آثار پس از بیرونی رویکردی کلامی و منتقدانه به موضوع دارد. لازم به ذکر است به رغم نقد بیرونی بر گزارش مسلمانان از آنچه که عقاید و باور هندوان یا اختصاصاً عقاید براهمه خوانده می‌شود و نیز گزارش تفصیلی و محققانه او در کتاب ماللهند، نویسندگان مسلمان پس از وی تقریباً همان گزارشهای پیش از او را بازگو می‌کنند. ولی البته چنانکه اشاره شد بیشتر با رویکردی کلامی و انتقادی.

مهمترین آثار دانشمندان مسلمان پیش از بیرونی که بخشی از گزارش خود را به براهمه یا عقاید هندوان اختصاص داده‌اند عبارتند از: الفهرست، ابن ندیم؛ تاریخ یعقوبی؛ المسالك و الممالک، ابن خردادبه؛ فسرر الشمیعة، نوبختی (اطلاعات ما از نوشته‌های نوبختی از کتاب تلخیص اهل‌بیس، ابن جوزی است)؛ عیون المسائل و الجوابات،

ابوالقاسم بلخی؛ *المقالات*، زرقان معتزلی و کتابی از ابو العباس ایرانشهری (این کتاب در حال حاضر موجود نیست)؛ *الزمره*، ابن راوندی (این کتاب نیز موجود نیست)؛ *الغریب المشرقی*، ابو عیسی وراق؛ *مروج الذهب*، مسعودی؛ *البدء و التاریخ*، مقدسی؛ *التمهید*، باقلانی و *المعنی*، قاضی عبدالجبار. برخی از آثار یاد شده به تفصیل و برخی دیگر به اجمال به عقاید براهمه پرداخته‌اند (نک: مجتبیایی، ۱۳۰).

گزارش موجود در آثار مسلمانان به صورت زیر قابل دسته‌بندی است:

۱ - گزارشی که براهمه را پیروان پادشاهی به نام برهمن می‌داند. برهمن نخستین پادشاه مردم هند است و نخستین دور از ادوار عالم با او آغاز می‌شود (یعقوبی، ۸۴/۱). مسعودی نیز از این قول پیروی می‌کند و قول کسانی را که به یکی بودن برهمن و آدم اعتقاد دارند نمی‌پذیرد (ص ۹۵).

۲ - گزارشی که به اختصار (ابن خردادبه، ۷۱) یا با تفصیل در باب احکام دینی و شریعت مورد توجه براهمه سخن می‌گوید (مقدسی، ۹۰/۴ - ۲۳).

۳ - گزارشی که حاوی اطلاعاتی درباره عقاید براهمه نسبت به خداوند و انبیاء و بهشت و دوزخ به همراه ذکر احکام و آئین‌های مورد توجه آنان است (نوبختی به نقل از ابن جوزی، ۶۹؛ مقدسی، ۱۰۹/۱ - ۱۱۱، ۱۴۴؛ ۹/۴ - ۱۵). لازم به یادآوری است گزارش مقدسی بسیار مغشوش و آشفته بوده و متضمن اطلاعات متضاد و مختلف در باب براهمه است.

۴ - گزارشهایی که فقط در باب انکار نبوت از سوی براهمه است به همراه نقد این عقیده تحت عنوان شبهه براهمه و پاسخ به شبهات (باقلانی، ۹۶ و بعد؛ قاضی عبدالجبار، ۱۵ و ۱۰۹ و بعد). در گزارش باقلانی از براهمه آمده است که آنان در خصوص نبوت صاحب دو رأی متفاوتند: الف) انکار مطلق نبوت؛ ب) انکار نسبی آن، منکران نسبی نبوت خود دو گروه‌اند کسانی که فقط به نبوت ابراهیم عقیده دارند و آنان که تنها به نبوت آدم باور دارند (باقلانی، ۱۰۷ - ۹۶). در گزارش غزالی آمده است

که «گروهی براهمه را منسوب به ابراهیم دانسته‌اند که خطاست. آنها نافی نبوت‌اند اصلاً و رأساً و ابراهیم پیامبر آنان نبود». از اهل هند آنان که نبوت ابراهیم را پذیرفته‌اند «الثویه»‌اند که معتقد به نور و ظلمت‌اند و منسوب به شخصی به نام براهم بودند (غزالی، ۱۳۵).

صورت گزارشها نشان می‌دهد که اطلاعات مسلمانان از هندوان و براهمه روشن نبوده و منبع اطلاعات آنان متفاوت است. بر اساس گزارشهای یاد شده امکان صورت‌بندی عقاید براهمه وجود ندارد. به علاوه گوناگونی آراء به قدری است که دریافت عقیده درست از نادرست نیز ممکن نیست. گرچه از مقایسه همه گزارشها با آنچه بیرونی در *ماللهند* آورده است و آنچه واقعاً عقاید براهمه است بر می‌آید که صحت گزارشها کاملاً محل تردید است، نکته‌ای که بیرونی نیز بر آن تأکید می‌ورزد و گزارش مسلمانان را از عقاید براهمه فاقد ارزش می‌داند (بیرونی، ۱۵).

در اینکه چرا مسلمانان روایات مختلف و نادرستی از اعتقادات براهمه به دست داده‌اند دلایل زیر را می‌توان برشمرد:

الف) بیرونی در آغاز کتاب *تحقیق ماللهند* علت آگاهی نادرست مسلمانان از دیانت هندوان و حیات علمی آنان را ناشی از عوامل زیر می‌داند:

- ۱) ناآشنایی مسلمانان با زبان دینی و علمی هندوان.
- ۲) عدم دقت هندوان در نسخه‌برداری از آثار علمی و دینی خود که موجب به دست دادن اطلاعات متفاوت و بعضاً نادرستی از عقایدشان می‌گردد.
- ۳) موجز (*Sutra*) نویسی هندوان به ویژه به هنگام نوشتن آثار دینی که سبب می‌گردد فهم آن نوشته‌ها دشوار و بعضاً ناممکن گردد.
- ۴) پرهیز هندوان از آمیختن با دیگر اقوام و ملل که نتیجه آن پنهان ماندن عقاید و باورهای آنان خواهد بود.
- ۵) عدم اعتماد هندوان به ویژه به مسلمانان بدان جهت که ورود اسلام به سرزمین

هند با حمله نظامی و اهداف سیاسی صورت پذیرفت و هندوان در واقع مسلمانان را دشمن خود می‌دانستند.

۶) اینکه هندوان خود را مردمی شریف و اصیل خوانده و جز خود کسی را به رسمیت نمی‌شناختند به همین دلیل نسبت به سنت فکری و دینی خود به قدری تعصب می‌ورزیدند که حاضر نبودند آن را حتی به هندوان تعلیم دهند چه رسد به غیر هندو. این امور از جمله مشکلاتی است که آگاهی نادرست هر کس از جمله مسلمانان را از دین هندو سبب می‌گردد (همو، ۲۰ - ۱۷). بدین جهت وی منکر صحت اطلاعات و گزارش مسلمانان از براهمه یا بطور کلی هندوان است.

ب) آگاهی مسلمانان از عقاید براهمه برگرفته از کتاب *الزمر* ابن راوندی است. کتاب او تنها منبع آگاهی مسلمانان از عقاید براهمه بوده است. علت نادرستی اطلاعات موجود درباره عقاید براهمه در کتاب *الزمر* ابن راوندی آن است که وی اساساً شخصیتی کاذب و دروغین داشته و باورهای خود را تحت عنوان عقاید براهمه منتشر می‌کرده است. در واقع، وی از براهمه همچون سخنگوی عقاید خود بهره می‌برد (کالدر؛ 41، EI²، 905/III). پل کراوس ابن راوندی را منکر نبوت معرفی می‌کند (EI²، همانجا) و در صورتی که گزارش مسلمانان از عقاید براهمه فقط اشاره به انکار نبوت توسط براهمه داشته باشد، سخن کراوس قابل توجه خواهد بود. در حالی که در گزارش مسلمانان، براهمه منکران نبوت در کل نیستند بلکه بنابر بعضی گزارشها آنان به نبوت ابراهیم یا آدم عقیده دارند. به نظر می‌رسد کتاب *الزمر* تنها منبع مسلمانان در آگاهی از عقاید هندوان نبوده است.

ج) فان اس. با رأی پل کراوس درباره ابن راوندی مخالفت کرده است. او شخصیت ابن راوندی را والاتر از آن می‌داند که تهمت دروغ‌گویی بر او روا باشد. فان اس مروج اصلی عقاید منسوب به براهمه را در آثار مسلمانان ابو عیسی و راق (ح اوایل قرن سوم) می‌داند. به نظر او اندیشه‌های ابو عیسی معرف دیدگاه ضد عربی

اوست. (به همین دلیل با آنچه عقاید واقعی براهمه است مخالف است) در واقع ابو عیسی خود را پشت براهمه مخفی می‌کند و آنها را سخنگوی عقاید خود قرار می‌دهد (فان اس، ۷).

ابن راوندی مطالب خود را از کتاب *الغریب المشرقی ابو عیسی* نقل می‌کند. کتابی که در آن غریب مشرقی احیاناً با عنوان برهمن توصیف می‌شود. کسی که باید از عقاید غیرمعقول پیروان وحی یا موافقان وحی تعجب کند (همانجا). مشکلی که در اظهارات پل کراوس وجود داشت در بیان فان اس نیز هست زیرا اگر ابو عیسی را عامل انتشار عقاید مربوط به براهمه در میان دانشمندان مسلمان بعد از او بدانیم و در عین حال وی را دارای شخصیتی ضد عربی و طرفدار مانویت (احیاناً) معرفی کنیم اولاً: موضوع انکار نبوت به عنوان عقاید براهمه محل تردید خواهد بود زیرا از ویژگیهای فکر ایرانی و به ویژه مانوی انکار نبوت نبوده است و ثانیاً در آثار دینی ایرانیان پیش از اسلام بر نبوت آدم و ابراهیم آن چنان که در آثار مسلمانان به عنوان عقاید براهمه آمده است، تأکید نشده است.

(د) پینس^۱ منبع اطلاعات دانشمندان مسلمان را از عقاید براهمه قاسم بن ابراهیم (د. ۲۴۶) و سعدیا (د. ۳۳۰) می‌داند. به نظر او اطلاعات موجود در آثار این دو دانشمند مورد توجه ابن راوندی قرار نگرفت و وی از این دو منبع بهره نبرد. گزارشهای فراوانی در نوشته‌های سعدیا و قاسم بن ابراهیم درباره براهمه وجود دارد که در آثار ابن راوندی نیامده است. اطلاعاتی که می‌تواند با عقاید مردم هند مرتبط باشد از جمله تأکید بر شخصیت آدم و شریعت او، منو (Manu)، نخستین انسان و نخستین قانون (Manusmariti). وجود این اطلاعات در آثار این دو دانشمند که مورد استفاده

مسلمانان دیگر قرار گرفت حاکی از عقاید هندوان و به ویژه براهمه است (کالدز، ۴۲). گزارش پینس تا حدی معرف اطلاعات مسلمانان درباره عقاید براهمه و بر مبنای اعتقاد به نبوت آدم و شریعت نخستین است و البته اگر هم اطلاعات موجود در آثار القاسم و سعیدیا بر محور همین نکته باشد، منبع اطلاعات مسلمانان در باب انکار نبوت از سوی براهمه باید چیز دیگری باشد.

ها) مطیع مکحون نسفی از معاصران ماتریدی، اطلاعاتی را درباره هرابذه^۱ بلخ به دست داده است، بنابر گزارش ابومطیع هرابذه عقایدی شبیه به عقاید براهمه داشتند. آنها ابراهیم را پیامبر خود می‌دانستند. این گروه تحت عنوان «راوندیه» دسته‌بندی شدند. البته ارتباط هرابذه با راوندیه پیروان راوندی روشن نیست. احیاناً آگاهی مسلمانان از عقاید براهمه از طریق ابومطیع و خلط عقاید هرابذه با براهمه به دست آمده است. سترومسا چنین دیدگاهی را مطرح می‌سازد (نک: سترومسا، ۴۱ - ۲۲۹).
 و) عبدالرحمن بدوی همچون پل کراوس، ابن راوندی را منبع آگاهی مسلمانان از براهمه می‌داند. وی عقیده دارد گزارش کسانی چون باقلانی، ابن حزم، بغدادی، غزالی، شهرستانی و طوسی از عقاید براهمه مبنی بر انکار نبوت حاکی از تأثیر پذیری آنان از ابن راوندی و بیان سخنان وی است، از مقارنه میان گزارش نوبختی در کتاب *آراه و الدیانات* با کتاب *الزمرّد* شاهد تفاوت اطلاعات مربوط به عقاید براهمه در این دو اثر هستیم (بدوی، ۱۳۹ - ۱۴۰). وی با ذکر چهار مورد از نظرات شهرستانی درباره عقاید براهمه اظهار می‌دارد که همه موارد یاد شده عیناً در کتاب *الزمرّد* آمده است (همو، ۱۴۲ - ۱۴۳). بدوی روشن نمی‌کند که عقیده براهمه درباره نبوت آدم و ابراهیم آن چنانکه بعضی از دانشمندان مسلمان (باقلانی و غزالی) اشاره کردند و در گزارش

راوندی به تصریح یا تلویحاً بدان اشاره نشده است از کدام منبع به دست آمده است. به علاوه وی چون پل کراوس عقیده ندارد یا اظهار نمی‌کند که ابن راوندی براهمه را سخنگوی عقاید خود قرار داده و عقاید منسوب به براهمه در آثار مسلمانان یا آنچه که عقیده واقعی آنان است، تفاوت دارد.

ز) گزارش مسلمانان از عقاید هندوان و براهمه گزارش نادرستی است. هندوان هرگز به پادشاهی برهمن اعتقاد نداشتند (آن چنانکه در گزارش مسعودی ۹۴ و از قول بلخی و نوبختی آمده است). نیز هیچ هندویی معتقد یا مخالف با نبوت بدان سان که این معنا در میان مسلمانان شایع است، نیست. در واقع مفهوم نبوت چنانکه مسلمانان عقیده دارند جایگاهی در دین هندو ندارد. حتی اگر آدم و ابراهیم را همچون برهما تفسیر کنیم باز نزد هندوان به عنوان نبی شناخته شده نیست. این رأی را مجتبیایی (مجتبیایی، 38) اظهار کرده است. وی علت خلط آدم و ابراهیم را با برهمن / برهما در آثار و آراء دانشمندان مسلمان نتیجه شباهت «داستان آفرینش آدم و هیوط» او در سنت فکری مسلمانان با افسانه پورانه‌ای^۱ مربوط به تولد برهما و آغاز خلقت می‌داند. به عقیده وی احتمالاً ریشه این اشتباه را شاید بتوان در قصه‌ای که به صورت مختلف در رامایانه (2, 110, 3ff) و مهابهاراته (12, 116, 12ff) نقل شده است، ردیابی کرد. این داستان به ما می‌گوید زمین از دل آبهای اولیه به شکل جزیره‌ای سر بر آورد. آنگاه برهما ظاهر گشت و متعاقب او فرزندانش که نخستین ریشی (ṛṣi)ها، پدران نخستین بشریت، پدید آمدند. (همانجا).

مجتبیایی گزارش ابن ندیم را در کتاب *الفهرست* تحت عنوان کتاب *الهند فی قصه هیوط آدم* گزارش دیگری از همین داستان می‌داند که احتمالاً منشأ اختلاف میان شخصیت آدم و برهما شده است. به علاوه بعضی از اسامی و صفاتی که هندوان برای

1. Puranic.

برهما به کار می‌برند شخصیت او را با آدم نزدیک می‌سازد (همانجا).

مجتبایی علت خلط برهما را با ابراهیم در آثار مسلمانان ناشی از شباهت فونتیکی این دو کلمه می‌داند (همانجا) و این که مسلمانان ابراهیم را در شمار انبیاء مورد اعتقاد براهمه دانسته‌اند از آن روست که برهما در سنت هندو خالق وداها است، چنانکه در اوپانیشاد اسب سفید (6/18 sévetaśvatara) (همو، 39) آمده است که ایشوره^۱ وداها را بر برهما وحی کرده است. مهابهاراته نیز برهما را صاحب و مالک وداها دانسته است. با توجه به شباهت فونتیکی این دو واژه و خلط ناشی از آن در آثار مسلمانان ابراهیم در شمار انبیاء (تنها نبی) مورد عقیده براهمه ذکر شده است.

وی با ذکر فقره‌ای از کتاب *ملل و نحل* شهرستانی که به نقد آراء کنسانی چون مسعودی و ابن ندیم و دیگران پرداخته است متذکر می‌گردد، دانشمندان مسلمان متوجه چنین اشتباهی بودند اما در عین حال اظهار می‌دارد: «کاملاً آشکار است حتی مسلمانان فرهیخته و فاضل دوره‌های اولیه اسلام نسبت به حیات دینی همسایگان هندوی خود کاملاً جاهل بودند و اطلاعات مختصری که در این باره داشتند چیزی جز سخنان نادرست و بیهوده نبود.» (همانجا).

گرچه اظهارات فوق روشنگر چگونگی خلط میان شخصیت آدم و ابراهیم با برهما در آثار مسلمانان است اما روشن نمی‌سازد که چرا و چگونه نزد دانشمندان مسلمان براهمه به عنوان منکران نبوت شناخته شده‌اند؟ از منابع اولیه هندویی از جمله وداها، براهمنه‌ها، اوپانیشادها و نیز منابع دوره هندوئیسم حماسی همچون رامایانه، مهابهاراته و بگودگیتا بر نمی‌آید که هندوان به نبوت به معنایی که در ستهای دینی دیگر نظیر دین یهود و اسلام و یا حتی مسیحیت آمده است، عقیده داشته باشند و یا آن را در معنای

یاد شده انکار نمایند. البته انکار وداها و سنت نبوی براهمنه‌ای در دوره‌ای از تاریخ دین هندویی امری قطعی است نظیر آنچه که پیروان مکتب چارواکه (Charvaka) و نیز بودائی‌ها و جین‌ها اظهار داشتند. در عین حال انکار وداها و سنت دینی براهمنه‌ای هرگز در تاریخ دین هندو به منزله انکار نبوت مورد توجه قرار نگرفته است. به علاوه اگر بپذیریم که احتمالاً علت خلط برهما با آدم و ابراهیم، شباهت فونتیکی واژگان و شباهت گزارشهای آثار دینی هندوان نظیر مهابهاراته و رامایانه و اپانیشادها است با آنچه که در سنت فکری مسلمانان درباره آدم و ابراهیم آمده است، باید گفت به هر حال مسلمانان باید از منابع اعتقاد و اندیشه دینی و اساطیر هندوان آگاه بوده باشند و این شباهت را دریافته باشند تا چنین خلطی یا بهتر است گفته شود چنین برابرسازی صورت پذیرد. در این صورت نمی‌توان با قاطعیت گفت زیرا حتی مسلمانان فرهیخته و فاضل دوران اولیه اسلامی از حیات دینی همسایگان هندوی خود بی‌خبر بودند. آنچه مسلم است منابع اطلاعات مسلمانان دوران اولیه اسلام و پیش از بیرونی به درستی معلوم نیست و نمی‌توان دلیل روشنی را مبنی بر گزارش نادرست و متفاوت مسلمانان از عقاید براهمه به دست داد و اما و اگرها در این زمینه راه‌گشا نیست. ظاهراً فقدان اطلاعات کافی در این زمینه خود می‌توان نوع خاصی از اطلاع در باب عقاید براهمه از منظر متکلمان مسلمان باشد و اجمالاً نشان دهد تصور دانشمندان مسلمان از براهمه روش نقدشان را تعیین کرده است. به نظر می‌رسد استناد به براهمه در آثار یاد شده متضمن نقد گوینده به جای گفتار شده است!

در آثار دانشمندان مسلمان پس از بیرونی تکرار همان سخنانی که پیش از وی وجود داشت دیده می‌شود. صورت این گزارشها نیز توصیفی، کلامی و انتقادی است. بهترین آثار دوره بعد از بیرونی که حاوی اطلاعاتی درباره عقاید براهمه است عبارتند از طبقات الشافیه، سبکی؛ الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ابن حزم؛ فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه، امام محمد غزالی؛ تبصره الادله فی اصول الدین، ابی المعین محمد بن

میمون نسفی؛ الملل و النحل، شهرستانی؛ المنتظم، ابن الجوزی؛ تبصرة العوام، سید مرتضی بن داعی حسن؛ تلخیص المحصل، الطوسی و آثاری از این دست.

منابع

- ابن جوزی؛ تلیس ابلیس، مصر، ۱۳۴۰ق.
- ابن خردادبه؛ المسالك و الممالک، لیدن، ۱۳۰۶ق.
- ابن حزم، ابو محمد علی؛ الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، به کوشش محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمن عمیره.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب؛ التمهید، به کوشش محمود محمد خضیری و محمد عبدالنهادی ابو ریده، قاهره، ۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م.
- بدوی، عبدالرحمن؛ من تاریخ الالحاد فی الاسلام، قاهره، ۱۹۴۵م.
- بیرونی، ابوریحان؛ تحقیق مالهند، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- غزالی، ابو حامد؛ فیصل التفرقة بین اسلام و الزندقه، به کوشش سلیمان دنیا، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م.
- قضی عبدالجبار، ابوالحسن؛ المعنی، به کوشش محمود خضیری و محمود محمد قاسم، قاهره، بی تا.
- مسعودی، ابوالحسن؛ مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد دانم، بیروت، ۱۹۶۵م.
- مقدسی، مطهر بن طاهر؛ البلد و التاريخ، پاریس، ۱۹۰۳م.
- نوبختی، ابو محمد؛ فرق الشیعه، به کوشش رینر، استانبول، ۱۹۳۱م.
- یعقوبی؛ تاریخ، بیروت، دار صادر.
- Calder. N., "The Barahima Literary Construct and Historical Reality." *BSOAS*. Vol: LVII, part 1, 1996.
- Dowson. J. *A Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion*. New Delhi. 1973.
- Henning. W. B, *Brahman*. 1945.
- Mujtabai. F, *Aspects of Hindu Muslim Cultural Relations*. New Dehli. 1978.
- Stutley. Margaret and James. *A Dictionary of Hinduism*. London. 1977.

- Stroumsa, S, "Barahima in Early Kalam." *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*. No: 6, 1985.
- Van ess, J, "ALFarabi and IBN AL Rawandi." *Hamdard Islamicus*. Vol: III. Pakistan, 1980.
- EI²: *Encyclopedia of Islam, New Edition*. Vol: 3. T. J. Brill, Leiden, 1979.
- ERE: *Encyclopedia of Religion and Etichs*, Macmilan, 1956, 12 Vol; ed. James Hastings.
- ER: *Encyclopedia of Religion*, 16vol. ed. Mircea Eliade, Macmilan, 1988.



